علم ذاتی و علم فعلی در فقره‌ی «لیس بینه و بین معلومه علم غیره»

شاگرد: اگر «غیره» را به ذات بزنیم، یک نحوه امتزاج تصور نمی‌شود؟

استاد: اگر غیر را به ذات بزنیم، این محذور لازم می‌آید؟

شاگرد: بله.

استاد: خیر؛ مسأله‌ی عینیت صفات با ذات می‌شود. چون برای مسأله‌ی صفات، در روایات اهل البیت علیهم‌السلام کلاس‌هایی را رده‌بندی کرده‌اند. یک رده‌ی خیلی مهم، عینیت صفات با ذات است. در قبال کسانی که به تعدد قدما قائل شده بودند. صفات را یک امر ثابت زائد بر ذات گرفته‌اند. در قبال آن‌ها در این کلاس فرموده‌اند که خیر، ذات او با صفت دو تا نیست: «لیس بینه و بین معلومه علمٌ غیر ذاته»؛ یعنی صفت علم او عین ذاتش است. وقتی ناظر به آن باشد این لازمه را ندارد.

شاگرد ۲: اگر معلوم را حاصل علم فعلی بدانیم، طبیعتاً «غیره» تنها به معلوم می‌خورد. اما اگر علم قبل از ایجاد باشد، اجمال در عین کشف تفصیلی باشد، به ذات می‌خورد. این درست است یا خیر؟ یعنی نمی‌توانیم این تفصیل را بین معلوم قائل شویم و بعد بگوییم مرجع ضمیرش چیست.

استاد: یعنی اگر «غیر» به «معلوم» بخورد، فقط ناظر به علم فاعل بالرضا مربوط می‌شود که عین خود فعل است. معنایی غیر از آن پیدا نمی‌کنیم.

شاگرد ۲: اگر قبل از ایجاد باشد، چطور؟

بازبینی #2
ایجاد شده 28 ژانویه 2024 14:36:49 توسط ... .
به روزرسانی شده 1 فوریه 2024 13:40:00 توسط ... .